

انقلابیوں کی تاریخ

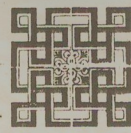
۱۹۰۷ ۱۹۱۵ ۱۹۲۵ ۱۹۳۵

(۱۷)



مخبر حیدر زاده

مدیر و منشی اول مدیر احتیاج سابق
مکاتبات باسم (حاجی بابای تبریزی)
(آدریس تبریز نتیجه حاجی ابوالقاسم اداره روزنامه)
(آذربایجان) مکاتبات فارسی و ترکی باضاه
نویسنده قبول و مالک خارجه قیمت
بست علاوه خواهد شد

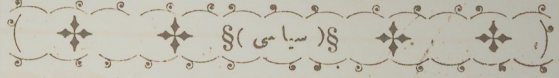


قیمت اشتراك سال یانه
در (تبریز) ۵۲ نمره چهار تومان
۹ ماهه (۲۸ هزار)
۶ ماهه (۲۲ هزار)
۳ ماهه (۱۲ هزار)
يك نسخه چهارده شاهی (۱۴ شاهی)

(هر هفته نشر میشود)

(اعلانات - طری بانصد دینار)

(۱۴ رمضان المبارک)



مدتی شد که روزنامه های فرنگستان اتحاد دو این روس و انگلیس را موضوع بحث قرار داده واز نتیجه دوستی و همکنی این دو حریف قوی پنجه سخن میرانند تا اینکه در این اواخر این اتحاد « غیر ممکن » در میان دو لاین محکم شده و قسائن را جبهه باسیای مرکزی « نقطه حرکت فیل حریص هندوستان » که مدتها در میان این دو رقیب بزرگ لایجل مانده و باعث خونریزیهای زیاد می شد حل شده و باضاه مأمورین طرفین رسیده و حق اخبارات تکراری فرنگستان امر و زها در این باب اظهار شغف و شادمانیها نموده واز این مودت و دوستی « مشکل » همد بگر را تبریک و تهنیت می گفتند اگر چه فصول و مواد این عهد نامه رسماً هنوز انتشار نیافته و عالم مطبوعات را در این باب بجز اینکه نظر بحالت حالیة افکار سیاسی عالم که امروزه رشته عینیات ممالک مغرب زمین بسته به بین افکار است هر کدام حمدتی زده و در ستون های روزنامه های فرنگستان این مسئله را بزرگ بحث در آورده و عقاید خودشان را در این ماده اظهار داشتند چنانچه در بعضی از روزنامه ها (حتی در روزنامه های داخله) در نتیجه این عقد اتحاد (اگر روس چشم از هندوستان سر پوشیده باشد !!!) اضطرابی که دولت روس را روی داده منافع اورا مختمس بحال انگلستان دانسته و روسها را از این منفعت پولتیکی بکلی محروم می دارند و بعضی هم حاصل این عهدنامه جدید را فاشه بر تمام ممالک آسیا فرض نموده ایران و افغان و حکومت تبت را دست خوش این مهادنه قرار می دهند چنانچه خبری که دال بر صحت این اخبارات پوشیده باشد در انتشارات فرنگستان که از روی ماخذ صحیحی باشد بنظر ترسیده ولی رفیق ما حاجی بابا را که نه از عالم سیاست بهره و نه از افکار پونک زمانرا حصه می باشد چنین می گوید که

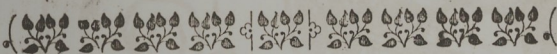


اما راویان اخبار و ناقلان شکر شکن شیرین گفتار چنین روایت کرده اند که در ممالک آسیا صیادان بیرحم چندی بودند که شکار مرغ و ماهی را دوست داشته و اوقات عزیز خودشان را با صید حیوانات بی دست و پایی گذرانند روزی یک نفر از آن صیادان دابی نهاده و با آن حر صیبه داشت در وقت صید مایمان چون دام همه تن چشم شده و بهنگام قصد مرغان از هر موی بدن حلقه ساخته .
(نه مرغ از دام او جستی نه ماهی)
قضا را سر چند مرغ را بحوالی دام آورده و خود در کینکا که حلق آن بیچاره کان را بحلقه در آورده نشسته منتظر بود که ناکاه صدای عربده آمیزی بگوش او رسیده و از ترس آنکه مبادا از این صیاد مرغان برمند از کینکا سری بیرون آورده و دو نفر طالب علم را دیده که در مسئله بحث می نمودند و مقال ایشان بجدال انجامید . بود صیاد تضرع بسیار کرد که فریاد تکذیب تا این مرغان رم نخورند و رنج فراوان من ضایع نگردد (دم در کشید ما نخورد صید دام را)
ایشان گفتند که اگر ما را در این صید شریک می سازی و هر یک را مرغی میدی با تو در می سازیم و بچنگ و هر بدی نمی بردا زیم صیاد گفت ای برادران عزیز من مردی میا لندم و قوت چندین کس و بسته باین مرغان و بند از آنکه شما دو مرغ از من به برید من چکو نه بخانه روم و چه سان بیک مرغ چند تن را تسلی بد هم گفتند رفیق تو هر روز این کاری کنی ما مدتی است که از این شکار اطلاع یافته ایم و هیچ وجه ممکن نیست که از سر این مرغان در گذریم یا فریاد خواهیم کرد تا مرغان به پرند یا شرط خواهی کرد که هر یک را از ما مرغی بدی تا بنظر مدوس برسانیم و اهل مدرسه را قهقهه می داد هر چه اضطراب کرد که مدرس شما را دام من نیافته و نه دام در زمین وقف نهاده ام

با بعالی جواب بدین مضمون داده که بمرک تو در آن مسئله
اشتباه شده منظور قوشون عثمانی در آ محدود صلاح و صلاح است
به استعمال اسلحه سفیر هم رسماً بطهران خبر داد
که در مسئله قتل وزارت سرحد اشتباه شده سلطان
با من رقیب است کسان او نسبت بشما البته بی اعتدالی
نخواهد کرد آسوده باشید :

(شیراز)

اینکه شایع شده قوام الملک و پسرانش در ضد مشروطه حرکت
می نمایند دوروغ است ولی کسان او قسم خورده اند
که تاجران در بدن دارند در حوالی شیراز یک نفر از ملت
پرسنان را بروی زمین زنده نگذاشتند نهایت مخارج این زرد
خورده هر چه باشد بعهده قوام الملک و پسران اوست خداوند
توفیق دهد انشا الله



(اعلان)

کتاب تحریب الاخلاق و تضعیح اطوار و جلد چهارم
موش و کربه جلدین ایلی و مجنون و جوامع الافلاس
و جلد ثانی حسین کرد و شرح چهل طوطی با جلد چهارم
کلتوم نهانه مع حواشی در اداره چاپ شده و موجود است
خواستاران رجوع نمایند .

(غیسان)

(اعلان)

یکصدست خانه و باغچه بیرونی و اندرونی بسیار جامع با آب
جاری که اتصالاً در جریانست در محله نور اول مقصودیه
پهلوی مسجد (میناساز) بفروش می رسد هر کس خواستار
باشد بداره روزنامه (آذربایجان) رجوع نماید

(ایضاً)

کسانیکه خواستار روزنامه (آذربایجان) باشند بایستایند
وجه آبونهار در اول سه ماه پرداخت نمایند که متدرجاً
باسم او فرستاده خواهد شد در صورت غیر روزنامه فرستاده
نمی شود (آذربایجان)

(ایضاً)

کتاب روضه وطن از تألیفات یکی از فحول علمای محف
لاشرف در اداره (آذربایجان) بطبع رسیده و نزد یک بختم است
خواستاران رجوع نمایند که بتوسط پست فرستاده خواهد شد

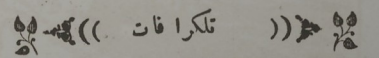
ما هیچ نمی دانیم از این قانونیکه اعلیحضرت شامشاهی
با برائیان داده از ک تشکر نمائیم و یکی اظهار نعت آریم
از بسکه کارها خنم بیج دارد و باید بر شیطان لعنت کرده
و از اینکه بد است بد کوشیم و آنکه خوبست او محتاج بتعریف
هر وزید نیست روزگار او را مرفی خواهد کرد

بلی روزگار محتسب نام محرری دارد که نموده است و در
بازار است او خواهد کنت مثلاً ما میج کسکدام روی فلان
«حجاج» و فلان «چنگیز» را در خواب هم ندیده ایم ولی از
محتسب شنیده ایم که آنها آلمان بد بوده اند و یا اینکه «نوشیروان»
که هزار و سیصد سال پیش از این پادشاه ما بودی کوی بد
قادل است این کوی بد همان محبت است که نیک و بد مردم را
می نویسد و ضبط می نماید . آمدیم در باره آنکسی که او
خوب است و اصرار کسی بخواند از او بد بنویسد خدا
او را می گیرد . مثلاً ارفع البته شاعر خوب است و در عمر
خود یک دفعه هم دلالی نکرده اصرار کسی بخواند از او
بد بنویسد خدا او را می گیرد . مثلاً چه طور خدا که دست

ندارد آدم را بگیرد پس چه طور می شود ؟ حالا کوش دار
و بین که خدا آدم را چه طور می گیرد . اول آدم را بقلیه
می گیرد . می بسیار بدست بو ایس . و آنهم می سبازد
بدست قانون . و آنهم بدست حکومت شهر . و آنهم بدست
وزارت خارجه . و آنهم بدست پامالی . و آنهم سلطان . و آنهم
بزرایشیل . و آن هم بکجا می برد او را خدای داند .

بلی کارها با اسباب است . مثلاً هر کسی بخواند که در سرحد
«ارومیه» ظرافت نماید . خلاصه مطلب آن جا بود که ما روی
نوشیروان را ندیده ایم اما عدالت او را شنیده ایم این کوی بد
همان محتسب است . چه طور مثلاً از تبریز تا سرحد ده فرسخ
بیشتر راه است ما هیچ آن جا نرفته ایم ولی شنیده ایم که آن جا
مکتبی داشت که اطفال مسلمانان در آنجا درس می خواندند
یک نفر نمی دانم سواره و یا اینکه آخوند یا واله یک خانی ریخته
بمکتب کوی یا طایفه هم کشیده دیگر نمی دانم چه طور شده
که اشاکرها فرار کرده و حایه مکتب خالی است این کوی بد هم
محتسب است خلاصه مطلب بطول آنجا مید صحبت ما آن بود
که از ک باید تشکر نمائیم و یکی اظهار نعت نمائیم .

(بقیه دارد)



اسلامیه ل امروز سفیر مخصوص دولت ایران در باب قتل
وزارت قوشون عثمانی در سرحد ایران ا برتست نموده و نایست
چهار ساعت جواب قطعی مطالبه نمود پس از وعده مزبور

قیمت اشتراك سال يانه	مدير و منتقى اول مدير احتياج سابق
در (تبريز) ۵۲ نمره چهار تومان	مكاتبات باسم (حاجى باباى تبريزى)
(۲۸ هزار) ۹ ماهه	(آدریس تبریز نتیجه حاجی ابوالقاسم اداره روزنامه)
(۲۲ هزار) ۶ ماهه	(آذربایجان) مکاتبات فارسى و تركى با مضامین
(۱۲ هزار) سه ماهه	نویسنده قبول و ممالک خارجیه قیمت
يك نسخه چهار ده شاهی (۱۴ شاهی)	بست علاوه خواهد شد

(هر هفته نشر میشود) (اعلانات نظری بانصد دینار) (۴۰ و رمضان المبارک)

مدتی شد که روزنامه های فرنگستان اتحاد دو لاین روس و انگلیس را موضوع بحث قرار داده و از نتیجه دوستی و همربندی این دو حرف قوی پنجه سخن میرانند تا اینکه در این اواخر این اتحاد « غیر ممکن » در میان دو لاین محکم شده و مسائلی را جنبه باسیای مرکزی « نقطه حرکت فیل حریص بهندستان » که مدتها در میان این دو رقیب بزرگ لایحل مانده و باعث خورجیهای زیاد می شد حل شده و باضام مأمورین طرفین رسیده و حق اخبارات تلگرافی فرنگستان امر و زها در این باب اظهار شغف و شادمانیها نموده و از این هودت و دوستی « مشکل » همدیگر را تبریک و تهنیت می گفتند اگر چه فصول و مواد این عهد نامه رسماً هنوز انتشار نیافته و عالم مطبوعات را در این باب بجز اینکه نظر بحالت حالیة افکار سیاسی عالم که امروزه رشته سینات ممالک مغرب زمین بسته به بین افکار است هر کدام حدتی زده و در ستون های روزنامه های فرنگستان این مسئله را بزرگ بحث در آورده و عقاید خودشان را در این ماده اظهار داشتند چنانچه در بعضی از روزنامه ها (حتی در روزنامه های داخله) در نتیجه این عقد اتحاد (اگر روس چشم از هندوستان سر پوشیده باشد !!!) اضطرابی که دولت روس را روی داده منافع او را مختص بحال انگلستان دانسته و روسها را از این منفعت پوالتیکی بکلی محروم می دارند و بعضی هم حاصل این عهدنامه جدید را قاسم بر تمام ممالک آسیا فرض نموده ایران و افغان و حکومت تبت را دست خوش این عهدنامه قرار می دهند لاجائاً خبری که دال بر صحت این اخبارات پوشیده باشد در انتشارات فرنگستان که از روی مآخذ صحیحی باشد بنظر نرسیده ولی رفیق ما حاجی بابا را که نه از عالم سیاست بهره و نه از افکار پوالتک زمانرا حصه می باشد چنین می گوید که

اما راویان اخبار و ناقلان شکر شکن شیرین گفتار چنین روایت کرده اند که در ممالک آسیا صیادان بیرحم چندی بودند که شکار مرغ و ماهی را دوست داشته و اوقات عزیز خودشان را با صید حیوانات بی دست و پایی گذرانند روزی یک نفر از آن صیادان دایمی نهاده و با آن هر صیاد داشت در وقت صید ماهیان چون دام همه تن چشم شده و بهنگام قصد مرغان از هر موی بدن حلقه ساخته .

(نه مرغ از دام او جستی نه ماهی)

قضا را سر چند مرغ را بجوالی دام آورده و خود در کینکاه که حلق آن بیچاره کمان را بجهت در آورده نشسته منتظر بود که ناگاه صدای مرید آهیزی بگوش او رسیده و از ترس آنکه مبادا از این صیاد مرغان برمند از کینکاه سری بیرون آورده و دو نفر طناب علم را دیده که در مسئله بحث می نمودند و مقال ایشان بجدال انجامیده بود صیاد تضرع بسیار کرد که فریاد تکفید تا این مرغان رم نخورند و رنج فراوان من ضایع نگردد (دم در کشید تا نخورد صید دام را)

ایشان گفتند که اگر ما را در این صید شریکی سازی و هر يك را مرغی بدهی با تو درمی سازیم و بچنگ و مریده نمی بردا زیم صیاد گفت ای برادران عزیز من مریدی میانمدم و قوت چندین کس و بسته باین مرغان و بند از آنکه شما دو مرغ از من به برید من چگونگی بخانه روم و چه سان بیک مرغ چندین تن را تسلی بدم گفتند رفیق تو هر روز این کاری کنی ما مدتی است که از این شکار اطلاع یافته ایم و بهیچ وجه ممکن نیست که از سر این مرغان در کندرم یا فریاد خواهم کرد تا مرغان به پرند یا شرط خواهی کرد که هر يك را از ما مرغی بدهی تا بنظر مدرس برساییم و اهل مدرسه را بنهانی دهم صیاد هر چه اضطراب کرد که مدرس شما را دام من نیافته و نه دام در زمین وقف نهاده ام

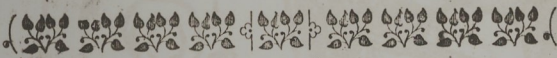


دستور العمل دادن سیه محمد یزدی بجاعت اجنه که شروط طلبان را ظفر رسانند

با بعالی جواب بدین مضمون داده که بمرک تو در آن مسئله
اشتباه شده منظور قوشون عثمانی در آ محدود صلاح و صلاح است
به استعمال اسلحه سفیر هم رسماً بطهران خبر داد
که در مسئله قتل وزارت سرحد اشتباه شده سلطان
با من رقیب است کسان او نسبت بشما البته بی اعتدالی
نخواهد کرد آسوده باشید :

(شیراز)

اینکه شایع شده قوام الملک و پسرانش در ضد مشروطه حرکت
می نمایند دوروغ است ولی کسان او قسم خورده اند
که تاجران در بدن دارند در حوالی شیراز یک نفر از ملت
پرستان را بروی زمین زنده نگذاشتند نهایت مخارج این زرد
خورده هر چه باشد بعهده قوام الملک و پسران اوست خداوند
توفیق دهد انشا الله



(اعلان)

کتاب تخریب الاخلاق و تضعیح اطوار و جلد چهارم
موش و کربه جلدین ایلی و مجنون و جوامع الافلاس
و جلد ثانی حسین کرد و شرح چهل طوطی با جلد چهارم
کلتوم نهانه مع حواشی در اداره چاپ شده و موجود است
خواستاران رجوع نمایند .

(غیسان)

(اعلان)

یکصدست خانه و باغچه بیرونی و اندرونی بسیار جامع با آب
جاری که اتصالاً در جریانست در محله نور اول مقصودیه
پهلوی مسجد (میناساز) بفروش می رسد هر کس خواستار
باشد بداره روزنامه (آذربایجان) رجوع نماید

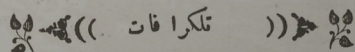
(ایضاً)

کسانی که خواستار روزنامه (آذربایجان) باشند بایستایند
وجه آبونهار در اول سه ماه پرداخت نمایند که متدرجاً
باسم او فرستاده خواهد شد در صورت غیر روزنامه فرستاده
نمی شود (آذربایجان)

(ایضاً)

کتاب روضه وطن از تألیفات یکی از فحول علمای محف
لاشرف در اداره (آذربایجان) بطبع رسیده و نزد یک بختم است
خواستاران رجوع نمایند که بتوسط پوست فرستاده خواهد شد

ما هیچ نمی دانیم از این قانونیکه اعلیحضرت شاهنشاهی
بایران بیان داده از ک تشکر نمائیم و یکی اظهار نعت آریم
از بسکه کارها خنم بیچ دارد و باید بر شیطان لعنت کرده
و از اینکه بد است بد کوشیم و آنکه خوبست او محتاج بتقریب
هر روز نیست روز کار او را مری خواهد کرد
بلی روز کار محنت نام محرری دارد که نموده است و در
بازار است او خواهد کنت مثلاً ما میچ کسکدام روی فلان
«حجاج» و فلان «چنگیز» را در خواب هم ندیده ایم ولی از
محنتب شنیده ایم که آنها آلمان بد بوده اند و یا اینکه «نوشیروان»
که هزار و سیصد سال پیش از این پادشاه ما بودی کوی بد
قادل است این کوی بد همان محبت است که نیک و بد مردم را
می نویسد و ضبط می نماید . آمدیم در باره آنکسی که او
خوب است و اکر کسی بخواند از او بد بنویسد خدا
او را می گیرد . مثلاً ارفع البته شاعر خوب است و در عمر
خود یک دفعه هم دلالی نکرده اکر کسی بخواند از او
بد بنویسد خدا او را می گیرد . مثلاً چه طور خدا که دست
ندارد آدم را بگیرد پس چه طوری شود ؟ حالا کوش دار
و بین که خدا آدم را چه طوری می گیرد . اول آدم را غلبه
می گیرد . می سیارد بدست بو ایس . و آنهم می سیارد
بدست قانون . و آنهم بدست حکومت شهر . و آنهم بدست
وزارت خارجه . و آنهم بدست پابلی . و آنهم سلطان . و آنهم
بزرایشیل . و آن هم بجای می برد او را خدای داند .
بلی کارها با اسباب است . مثلاً هر کسی بخواند که در سرحد
«ارومیه» ظرافت نماید . خلاصه مطلب آن جا بود که ماروی
نوشیروان را ندیده ایم اما عدالت او را شنیده ایم این کوی بد
همان محنتب است . چه طور مثلاً از تبریز تا سرحد ده فرسخ
بیشتر راه است ماهج آن جا زنده ایم ولی شنیده ایم که آن جا
مکتبی داشت که اطفال مسلمانان در آنجا درس می خواندند
یک نفر نمی دانم سواره و یا اینکه آخوند یا واله یک خانی ریخته
بمکتب کوی یا طایفه هم کشیده دیگر نمی دانم چه طور شده
که اشا کرده فرار کرده و حایه مکتب خالی است این کوی بد هم
محنتب است خلاصه مطلب بطول آنجا مید صحبت ما آن بود
که از ک باید تشکر نمائیم و یکی اظهار نعت نمائیم .
(بقیه دارد)



اسلامیه ل امروز سفیر مخصوص دولت ایران در باب قتل
وزارت قوشون عثمانی در سرحد ایران ا برتست نموده و نایست
چهار ساعت جواب قطعی مطالبه نمود پس از وعده مزبور